

تصریح در ترجمه ادبی، حذف ساختاری اختیاری در زبان انگلیسی در ترجمه گونه‌های ادبی فارسی

مهدی واحدی کیا*

کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان، ایران

حسین پیرنجم‌الدین**

استادیار ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۹، تاریخ تصویب: ۹۰/۹/۲۸)

چکیده

پژوهش حاضر بر اساس مدل دیکسون (۲۰۰۵) به بررسی تصریح ساختاری اختیاری زبان انگلیسی در ترجمه‌های فارسی-انگلیسی سه گونه‌ی ادبی می‌پردازد. هدف از این پژوهش آزمودن نتایج بدست آمده در پژوهش اولاهان (۲۰۰۱) است که موضوع مورد نظر را در دو پیکره زبانی TEC و BNC مورد بررسی است. همچنین این پژوهش بر آن است رفتار تصریح ساختاری را در ترجمه‌های انگلیسی سه گونه ادبی بررسی نماید. بررسی موردی بر روی ۱۳ شعر، ۴ نمایشنامه، و ۸ رمان و داستان کوتاه فارسی به همراه ترجمه‌های انگلیسی آنها انجام گرفت که به صورت تصادفی انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تصریح در ترجمه‌های فارسی-انگلیسی متون ادبی معاصر نوعی هنجار ترجمه‌ایست و در همه‌ی گونه‌های ادبی، تصریح متمم‌ساز THAT و سپس ضمائر ملکی فراوان‌ترین نوع تصریح ساختاری اختیاری است که با نتایج اولاهان (۲۰۰۱) همخوانی دارد؛ همچنین تصریح in order نیز در ترجمه‌ی داستان و نمایشنامه به کار رفته بود؛ اما، سایر نتایج بدست آمده در این بررسی یافته‌های اولاهان را تایید نمی‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد تصریح در مقام ابزاری ادبی در ترجمه ادبی به کار بسته می‌شود همچنین تغییرگریزی متون ادبی و ایجاز کلام بویژه در شعر از جمله عوامل موثر در محذوف نگاه داشتن چنین ساختارهایی در برخی گونه‌ها شده است.

واژه‌های کلیدی: تصریح، قواعد حذفی، بازیابی، مدل دیکسون، هنجار ترجمه‌ای، همگانی‌های ترجمه.

* تلفن: ۰۸۶۱-۲۲۶۲۰۸۸، دورنگار: ۰۸۶۱-۲۲۶۲۰۸۸، E-mail: vahedikia@gmail.com

** تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۱۳۷، دورنگار: ۰۳۱۱-۶۶۸۷۳۹۱، E-mail: pirnajmuddin@fgn.ui.ac.ir

مقدمه

یکی از اهداف اصلی مطالعات توصیفی ترجمه - به یمن «نقشه ترجمه» ای که جیمز س. هولمز در سال ۱۹۷۲ ارائه کرد، مطالعه و بررسی زبان متون ترجمه شده از نظر بیان ویژگی‌های متنی در مقام زبانی است، متمایز از زبانی که ترجمه در آن ارائه می‌شود. از این رو اندیشه وجود «گرایش‌ها» (tendencies) یا «الگوهای» (patterns) زبانی در مطالعات ترجمه مطرح گردید و به زعم برخی نظریه‌پردازان حوزه ترجمه، در این رابطه از «قوانین» (laws) و یا «همگانی‌های» (universals) ترجمه نیز بحث‌هایی به میان آمد (بیکر، ۱۹۹۳ در لایوزا-برایت وایت ۱۹۹۸؛ توری، ۱۹۹۵). به همین ترتیب، برخی از نظریه‌پردازان این حوزه بحث را تا بدان جا پیش برده‌اند که در اشاره به زبان متون ترجمه شده از «زبانی سوم»^۱ در ترجمه گفته‌اند که نه دربردارنده ویژگی‌های زبان مبدأ است و نه ماهیت‌های طبیعی زبان مقصد (فراولی، ۱۹۸۴؛ اوراس، ۱۹۹۸).

از بعد نظری، می‌توان این «گرایش‌های» زبانی را از دو جهت بررسی کرد: می‌توان چنین ویژگی‌هایی را جزئی از همگانی‌های ترجمه به حساب آورد و یا آن را در حیطه هنجارهای ترجمه گنجانند. رویکرد نخست، چنین ویژگی‌هایی را برخاسته از ماهیت خود ترجمه می‌پندارد و نه زبان‌های دخیل در ترجمه‌ای خاص (زبان‌های مبدأ و مقصد). بر این اساس باید گفت از آنجا که این گرایش‌ها در ذات ترجمه وجود دارند، می‌توان آنها را در همه ترجمه‌ها، از همه زبان‌ها، و در همه زمان‌ها و بافتارها مشاهده کرد. حال آن که، در رویکرد هنجار-محور، این گرایش‌ها از منظر تحولات اجتماعی و فرهنگی بررسی می‌شوند و بدین ترتیب می‌توان آنها را تغییرپذیر پنداشت و مفهوم فراگیر بودنشان در همه ترجمه‌ها و بافتارها را منتفی دانست. مثال این که، «هنجارهای مؤثر» از دیدگاه توری (۱۹۹۵) شامل مجموعه تصمیم‌های مترجم در ضمن ترجمه می‌شود که دربردارنده توزیع واژگانی، روساخت زبانی ترجمه، و رابطه زبان‌های دخیل در ترجمه است.

از میان گرایش‌ها در زبان ترجمه (بیکر، ۱۹۹۳) - تصریح، طبیعی‌سازی، همسطح‌سازی، و استانداردها (لایوزا-برایت وایت، ۱۹۹۸) - به تصریح بیش از سایر گرایش‌ها در مطالعات ترجمه پرداخته شده است. «تصریح» را نخستین بار بلوم-کالکا (۱۹۸۶) در «فرضیه تصریح» خویش این چنین مطرح کرد:

1- Third Code

آن فرآیند بیانی که مترجم از متن مبدأ ارائه می‌کند که ممکن است به متن مقصدی بیانجامد که دارای حشو بیشتری نسبت به متن مبدأ است. چنین حشوی را می‌توان برآمده از تصریح انسجام در زبان مقصد دانست. (ص ۳۰۰)

این فرضیه نقطه آغازی شد برای تمام مطالعات انجام شده در حوزه تصریح از زوایای گوناگون - از بررسی متون ترجمه شده در سطح واژگان، ساختار، و سبک گرفته تا بررسی‌های روانشناسانه زبان و فرایندهای آن. از جمله پژوهش‌های پرستناد در این زمینه می‌توان به پژوهش اولاهان و بیکر (۲۰۰۰) اشاره کرد که در آن تصریح را در دو پیکره زبانی ¹TEC و ²BNC بررسی کرده‌اند. اولاهان و بیکر (۲۰۰۰) استفاده از THAT اختیاری پس از فعل‌های say و tell را چونان مؤید وجود تصریح ناخودآگاه در ترجمه به زبان انگلیسی بررسی کردند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که متمم‌ساز THAT (THAT complementiser) در هر دو پیکره به چشم می‌خورد؛ هر چند، حضور این متمم‌ساز در پیکره TEC از BNC پررنگ‌تر است. از جمله یافته‌های جالب توجه در این پژوهش این است که برخی الگوهای واژگانی و ساختاری که با THAT استفاده می‌شوند در متون ترجمه شده پربسامدترند.

برای رسیدن به درکی بهتر از فرایند ناخودآگاه تصریح و نمود عینی آن در روساخت متن مقصد، اولاهان (۲۰۰۱) فرض را بر آن گرفت که تصریح از ویژگی‌های ذاتی ترجمه است و بنابراین، باید در زبان متون ترجمه شده نمود بیشتری (از نظر روابط دستوری و محیط زبانی چنین روابطی) نسبت به متون ترجمه نشده در همان زبان داشته باشد. او در این راستا، «عرف‌های حذفی زبان انگلیسی» دیکسون (۱۹۹۱) را چارچوب کار خود قرار داد و به مطالعه تصریح ترجمه شده و نشده در زبان انگلیسی در پیکره‌های TEC و BNC پرداخت. اولاهان معتقد است بر مبنای نتایج این پژوهش، گرایش به عدم حذف الگوهای ساختاری اختیاری در متون ترجمه شده به زبان انگلیسی احتمالاً ناخودآگاه بوده و ناشی از فرایند خود ترجمه و فرایندهای شناختی مربوط به آن است تا فرایندهای خودآگاه و تعمیدی تصمیم‌گیری در ترجمه.

بر همین اساس، در پژوهش حاضر بر این است که به رغم این ادعا که متون ادبی

1- Translational English Corpus

2- British National Corpus

به هنگام ترجمه حساس‌ترین و ظریف‌ترین متون و در نتیجه تغییرگریزترین به شمار می‌آیند، طبق آن چه در پیش آمد، تن دادن به ویژگی‌های اختیاری زبان به صورت تصریحی در این متون نیز گریزناپذیر است. به دیگر سخن، این امر فارغ از نوع متن ترجمه شده و ناشی از ذات ترجمه است که نتیجه‌اش در هر صورت ایجاد تغییر در متن ترجمه شده است. پژوهش حاضر بر آن است این گرایش‌های ساختاری غیرنظام‌مند را در شعر، نمایشنامه، و رمان و داستان کوتاه (گونه‌های ادبی) مورد مطالعه قرار دهد تا فراوانیشان را در این گونه‌ها بسنجد. به این منظور پس از شرح مختصری از قواعد حذفی زبان انگلیسی به شرح مواد و مراحل انجام پژوهش، و سپس ارائه یافته‌ها و تحلیل آنها در مقایسه با پژوهش‌های مشابه خواهیم پرداخت.

قواعد حذفی زبان انگلیسی

پژوهندگان دستور زبان، تعریف‌ها و دسته‌بندی‌های گوناگونی را از نظر نوع و جایگاه حذف ارائه داده‌اند. در این میان، کارتر و مک‌کارتی حذف را نبود واژه‌هایی می‌دانند که بتوان آنها را از واژه‌های پیرامون و یا موقعیت استنباط کرد.

هر چند اغلب حذف را نبود اجزایی که به طور طبیعی از نظر دستوری لازم است معنا می‌کنند [...]، در حقیقت هیچ «کاهش» در اجزای پیام صورت نگرفته، و پیام برای ایجاد ارتباط دارای مؤلفه‌های کافی است. بهتر است بگوییم زبان گفتار رسمی و زبان نوشتار به طور معمول برای خواننده/شنونده در بردارنده جزئیات بیشتری هستند و از همین روی مواردی را به متن «می‌افزایند» که شاید در زبان گفتار روزمره غیرضروری باشد. (۲۰۰۷، ص ۱۸۱)

بایبر، جوهانسون، لیچ، کونراد، و فینگان (۲۰۰۰) معیار تشخیص حذف را از دیگر موارد به ویژه جایگزینی افزودن اطلاعات محذوف، بدون ایجاد تغییر در معنا و همچنین بدون ایجاد ساختاری غیردستوری، می‌دانند، اما کویرک، گرینبوم، لیچ، و سوارتویک (۱۹۸۷) برای حذفی دانستن ساختار پنج شرط زیر را در نظر گرفته‌اند:

قسمت محذوفی به درستی و با جزئیات دقیق قابل بازیابی باشد.

ساختار شکل ناتمام یا غیرمعمول داشته باشد.

افزایش قسمت محذوف به جمله منجر به ایجاد جمله دستوری صحیح بدون کاهش و

افزایش در معنا شود.

بخش محذوف از واژه‌های همجوار (و نه از موقعیت) قابل بازیابی باشد.

بخش محذوف درست همانند بخش نامحذوفش باشد و برای دستوری بودن جمله

نیازمند تغییر نباشد.

همچنین پژوهشگران ساختارهای گوناگونی را در دسته‌بندی‌های خود از بخش‌های قابل حذف ساختار انگلیسی ارائه داده‌اند. برای مثال در حالیکه کوفین، دونوئیو، و نورث (۲۰۰۹) حذف را تنها به حذف گروه فاعلی، گروه فاعلی و فعل، و یا بخشی از گروه فعلی در بندهای همپایه محدود می‌کنند؛ کوثرک، گرینبوم، لیچ، و سوارتویک (۱۹۸۷) مقایسه کنید با بایبر، جوهانسون، لیچ، کونراد، و فینگان، ۲۰۰۰؛ سوان، ۲۰۰۵؛ دیکسون، ۲۰۰۵) از جمله کامل‌ترین این دسته‌بندی‌ها را از حذف در زبان انگلیسی ارائه کرده‌اند که در آن حذف را شامل موارد زیر می‌دانند: حذف فاعل (Beg your pardon?)؛ حذف فعل و فاعل (In trouble?)؛ حذف ضمائر پیش و پس مرجع (Those who prefer [to] can go.)؛ (در محاوره) حذف حرف تعریف (Friend said so.)؛ فعل و فاعل و حرف تعریف (Pity he isn't here.)؛ و یا حرف اضافه ([Of]) (Course he's there.)؛ حذف اسم یا صفت در جایگاه هسته گروه (He is the sharpest son, but Jim is the oldest.)؛ حذف گروه اسمی (His phone, like Ted's, is Korean.)؛ حذف وابسته‌های هسته (Her last speech was even worse than her first.)؛ حذف میانی گروه اسمی (This instrument is the best he has ever made.)؛ حذف گزاره در جمله‌های مصدری (I will do what I can.)؛ حذف گزاره از جمله (A: Who Called you this morning? B: Maria.)؛ حذف در بندهای دارای مصدر با (You can come if you want to.)؛ حذف کامل بند (You can borrow mine if you want.)؛ حذف در بندهای دارای WH- (Someone stole it, but I don't know who.)؛ حذف در بندهای غیرمصدری و بدون فعل (Although tired, he kept his way.)؛ حذف در بندهای ضمیمه‌ای (I caught the bus – just.)؛ حذف در همپایگی (I told him to force them, but he wouldn't.)؛ و حذف در بندهای تفضیلی (He loved the cat more than his family.)

بحث

۱- مواد پژوهش

داده‌های پژوهش شامل متون ادبی فارسی به همراه ترجمه‌های انگلیسی آنهاست که به صورت تصادفی از سه گونه ادبی انتخاب شده‌اند. این داده‌ها مشتمل است بر ۱۳ شعر، ۴ نمایشنامه، و ۸ اثر منثور فارسی (رمان و داستان کوتاه). از آنجا که برخی (خرده) گونه‌ها مانند رمان در زبان فارسی از قدمت چندانی برخوردار نیستند، تنها متون ادبی معاصر در این پژوهش

گنجانده شده‌اند. همچنین، در باره متونی که بیش از یک ترجمه انگلیسی از آنان در دسترس بود چند ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که درباره متون طولانی نیز به بررسی ۱۰۰ جمله نخستین هر متن و ترجمه متناظرشان بسنده شده است. فهرست متون بررسی شده در پیوست مقاله آمده است.

۲- مراحل پژوهش

در پژوهش حاضر نیز، مانند اولاهان (۲۰۰۱)، الگوی تطبیقی الگوی پیشنهادی دیکسون است تا بتوان بخشی از یافته‌های هر دو پژوهش را در کنار یکدیگر مقایسه کرد. با این حال، به جای مدل اولیه دیکسون که در مطالعه اولاهان به کار رفته، در این پژوهش از مدل «عرف‌های حذفی زبان انگلیسی» دیکسون (۲۰۰۵: ۷-۷۴) استفاده شده که تفاوتی با مدل اولیه ارائه شده در سال ۱۹۹۱ ندارد. این مدل عرف‌های حذفی زبان انگلیسی را دربردارنده موارد زیر می‌داند:

- ۱) حذف گروه اسمی فاعلی
- ۲) حذف متمم‌ساز *that*
- ۳) حذف ضمیر موصولی *wh-/that*
- ۴) حذف *to be* در جمله‌واره‌های متممی
- ۵) حذف گزاره
- ۶) حذف فعل کمکی *should* از گزاره‌های دارای *that*
- ۷) حذف حرف اضافه قبل از متمم‌سازهای *for that* و *to*
- ۸) حذف متمم‌ساز *to*
- ۹) حذف *after/while* در *after/while* و *ing* - (*while*)
- ۱۰) حذف *in order*

جزئیات این قواعد حذفی در بخش‌های بعدی در سه گونه ادبی شعر، داستان، و نمایشنامه بررسی و تحلیل خواهد شد.

۳- تحلیل داده‌ها

همان طور که در پیش آمد، مدل استفاده شده در این پژوهش «عرف‌های حذفی» دیکسون (۲۰۰۵: ۷۴-۵) است که شرح جزئیات آن در ذیل آمده است. نمونه‌هایی از تصریحات یافت شده در پیکره پژوهش آورده شده و در آنها قسمت تصریح شده با حروف

درشت مشخص گردیده است. مؤلفه‌های مدل دیکسون به قرار زیر است:

۳-۱- حذف گروه اسمی فاعلی

گروه اسمی فاعلی را در موارد متعددی می‌توان حذف کرد؛ اما، در داده‌های موجود تنها تصریح در ساختارهای همپایه مشاهده شد. در چنین مواردی، در صورتی که دو جمله‌واره همپایه دارای گروه اسمی مشترک در نقش فاعل باشند، می‌توان فاعل جمله‌واره دوم را حذف کرد.

[...] خودش را که تو آینه دید یک هو زد زیر دلش و تو روشویی بالا آورد. (چوبک؛ داستان)
She saw herself in the mirror, abruptly turned her stomach and **she** threw up in the sink. (Perry, p. 109)

ماهی سیاه کوچولو من می‌خوام به دریایی برم که این جویبار در آخر به اونجا می‌ریزه.
می‌دونی مادر، من ماه‌ها درباره اون فکر کردم و بعد از این همه مدت
هنوز نتونستم راهی پیدا کنم. (بهرنگی؛ نمایشنامه)

L B Fish I want to go to the sea where this stream ends. You know mother,
for months I have been thinking about it and after this time **I** still
haven't been able to figure it out. (Khaksar Harsini, p. 5)

در تحلیل داده‌ها تعداد ۱۲ مورد از این تصریح مشاهده شد که ۹ مورد آن مربوط به ترجمه داستان و ۳ مورد آن مربوط به ترجمه نمایشنامه است. چنین تصریحی در ترجمه شعر یافت نشد. در مجموع، این نوع تصریح به ترتیب ۳۴٪ و ۳۳٪ تصریح ساختاری را در داستان و نمایشنامه دربرمی‌گیرد.

۳-۲- حذف متمم‌ساز *that*

اگر پس از گزاره جمله‌واره پایه (یا گزاره و مفعول مستقیم در صورت وجود فعل‌های *threaten* و *promise*) متمم‌ساز *that* قرار بگیرد، می‌توان آن را حذف کرد. حذف این متمم‌ساز در زبان غیررسمی یا آنجا که متمم به اطلاعات غیرضروری اشاره دارد بسیار شایع‌تر است؛ ضروری بودن اطلاعات را در این نمونه، می‌توان با توجه به فعل اصلی، گروه اسمی، و بافتار مشخص کرد.

I have even heard
That a shower has fallen and
became a flood,
Washing all the line borders
Destroying all the preserves.
(Mohammadi, p. 97)

حتی شنیده‌ام بارانی آمده‌ست و به
راه افتاده سیل
هر جا که مرز بود و خط، پاک
شسته است،
چندانکه شهر بند قرقها شکسته است.
(اخوان ثالث؛ شعر)

در سرزمین شعر و گل و بلبل موهبتی است زیستن، آن هم وقتی که واقعیت به وجود آمدن
تو، پس از سال‌های سال پذیرفته می‌شود. (صابری؛ نمایشنامه)

What bliss to live in this land of poetry, roses, and bul-bul birds especially since
they've taken note, after so many years, **that** one actually exists? (Boutorabi, Mirzai,
& Torfeh, p. I-5)

[...] فقط می‌ترسم که فردا بمیرم و هنوز خودم را نشناخته باشم – زیرا در طی تجربیات
زندگی به این مطلب برخوردم که چه ورطه هولناکی میان من و دیگران وجود دارد [...] (هدایت؛ داستان)

Simply, I am afraid **that** I may die tomorrow but still not know myself, because in
the course of life experiences I have realized **that** a frightful chasm lies between
others and me. (Bashiri, pp.1-2)

تصریح متمم‌ساز *that* فراوان‌ترین نوع تصریح غیرنظام‌مند ساختاری در همه گونه‌های
بررسی شده است و در همه گونه‌ها بیش از ۵۰٪ تصریح‌ها را در بر گرفت. در ترجمه‌های
انگلیسی داستان، نمایشنامه، و شعر کاربرد این تصریح به ترتیب ۷۵/۸۱٪، ۷۵/۵۵٪، و ۶۸/۷۵٪
بود.

۳-۳- حذف ضمیر موصولی *wh-/that*

در مواردی که گروه اسمی مشترک در جمله‌واره توصیفی نقش فاعلی نداشته باشد،
می‌توان ضمیر موصولی را از جمله‌واره توصیفی تحدیدی حذف کرد. چنین حذف‌هایی در

زبان گفتار رایج تر است.

مارمولک پلیکان زیر گردنش یه کیسه داره که با آب پُرش می‌کنه. (بهرنگی؛ نمایشنامه)

Lizard The pelican has a bag under his neck **which** he fills with water.

(Khaksar Harsini, p. 15)

I have had a dream **that** someone is coming, من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید

And is like a person **who** he ought to be. و مثل آن کسی ست که باید باشد

(Hillmann) [...] (صابری؛ نمایشنامه)

از حسن اتفاق خانه‌ام، بیرون شهر در یک محل ساکت و آرام، دور از جنجال و آشوب زندگی مردم واقع شده است [...] (هدایت؛ داستان)

I am fortunate in that the house **where** I live is situated beyond the edges of the city

[...] (Castello, p. 12)

تصریح ضمیر موصولی نیز از جمله مواردی است که فراوانی بالایی را در همه گونه‌ها دارد. فراوانی این تصریح در شعر با ۳۱/۲۵٪ کل تصریح‌ها بیشتر از سایر گونه‌هاست. فراوانی این تصریح در داستان و نمایشنامه به ترتیب ۳۳/۱۳٪ و ۱۵/۵۵٪ است.

۴-۳- حذف to be در جمله‌واره‌های متممی

در مورد برخی فعل‌ها که از متمم TO استفاده می‌کنند، می‌توان to be را در صورتی که آغازگر گروه فعلی باشد از جمله حذف کرد (مثال، I thought him (to be) an idiot). همچنین در مورد تعداد اندکی از فعل‌ها که متمم Modal (FOR) TO را با خود همراه دارند و گروه فعلی آن‌ها با فعل be آغاز می‌شود می‌توان to be را حذف کرد (مثال، He needs his paper (to be) published).

نمونه‌ای از این تصریح در پیکره پژوهش مشاهده نشد. این امر بیانگر آن است که تصریح to be در جمله‌واره‌های متممی از جمله راهکارهای مترجمان در ترجمه متون ادبی در ترجمه‌های فارسی به انگلیسی نیست.

۳-۵- حذف گزاره

در جمله‌واره‌های همپایه‌ای که دارای گزاره یکسان اما فاعل و مفعول متفاوت هستند، می‌توان گزاره جمله‌واره دوم را حذف کرد (مثال، I brought bread and cheese, and Gooney brought some butter).

این ویژگی از فراوانی چندانی برخوردار نیست و در کل داده‌های مطالعه شده، تنها یک نمونه از آن در نمایشنامه یافت شد که ۱/۱۴٪ تصریح ساختاری غیرنظام‌مند را در این گونه شامل می‌شود.

۳-۶- حذف فعل کمکی *should* از گزاره‌های دارای *that*

اگر *should* در جمله‌واره‌ی متممی دارای *that* قرار بگیرد و در آن جمله‌واره فعلی دلالت بر الزام داشته باشد می‌توان این فعل کمکی را حذف کرد (مثال، He ordered that I (should) help them., She suggested that Robert (should) prepare himself for the show. در تحلیل داده‌ها، موردی از این تصریح مشاهده نشد.

۳-۷- حذف حرف اضافه قبل از متمم‌سازهای *that*، *for* و *to*

برخی از فعل‌های گذرا که به حرف اضافه ختم می‌شوند، می‌توانند در نقش مفعولی جمله‌واره‌ای متممی با خود همراه کنند. در این صورت می‌توان حرف اضافه را قبل از *that*، *for* و *to* حذف کرد (مثال، She confessed to killing the judge. هرچند، قبل از جمله‌واره متممی دارای *-ing* یا گروه اسمی در نقش مفعول می‌توان حرف اضافه در جمله حفظ کرد (مانند، He confessed (to) that he had killed the poor boy. در این ساختار نیز نمونه‌ای از تصریح در هیچ یک از گونه‌ها در این مطالعه یافت نشد.

۳-۸- حذف متمم‌ساز *to*

حذف *to* قبل از فعل‌های گروه *attention* و قبل از فعل‌های *have*، *make* و *let* الزامی است؛ اما، در صورتی که *to* قبل از فعل‌های *help* و *know* قرار گیرد می‌توان آن را به اختیار حذف کرد (مانند، I let George (to) go, We heard Rachel (to) sing in the bath., They (helped Rose (to) wash up. هرچند در ساختارهای مجهول در مورد اخیر، حفظ *to* الزامی است (مانند، Rose was heard to sing in the bath. تصریح این متمم‌ساز نیز در هیچ یک از

گونه‌های مطالعه شده دیده نشد.

۳-۹- حذف after/while در after/while و -ing (while)

در جمله‌واره‌هایی که در آن گروه فعلی با حالت مصدری آغاز می‌شود و فعل نخستین آن have است می‌توان after را در صورتی که نخستین واژه جمله باشد حذف کرد (مانند: ., Michel went to bed. (After) having planted the seeds.)). به همین ترتیب، می‌توان واژه while را در صورتی که گروه فعلی با فعلی غیر کمکی شروع شود حذف کرد (مثال، I read a chapter of a book (while) waiting for the train. افزودن after و while به شکل مصدری فعل در داده‌های مورد بررسی مشاهده نشد.

۳-۱۰- حذف in order

می‌توان in order را در صورتی که پیش از to و for قرار بگیرد، حذف کرد. حذف این عبارت پیش از that نیز ممکن است.

ای خاله جان، یک حرفی زدم، آدم بعضی وقت‌ها نمی‌خواهد خودش را از تک و تا بیندازد، [...](دانشور؛ داستان)

Oh, Auntie, I may have said a thing or two – you sometimes have to **in order** to keep up with the neighbors, but who is kidding who? (Lewis, p. 140)

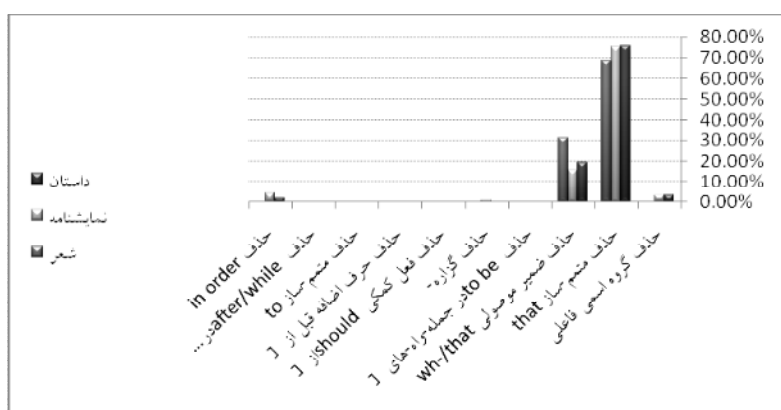
ناراحتی که ازت خواستم به بچه‌ی رحمانی درس بدی که نیفته؟ (حسینی؛ نمایشنامه)
Do you feel unhappy as I asked you to teach Rahmani's child **in order** not to fail?
(Alaee)

افزودن in order به جمله در شعر مشاهده نشد، اما در داستان ۱/۸٪ و در نمایشنامه ۴/۴۴٪ تصریح‌های ساختاری غیرنظام‌مند را در برگرفت.
جدول زیر به ترتیب درصد و فراوانی وقوع انواع تصریح‌های ساختاری غیرنظام‌مند را در سه گونه ادبی بررسی شده نشان می‌دهد.

جدول ۱ تصریح ساختاری غیرنظام‌مند در گونه‌های ادبی

شعر	نمایشنامه	داستان	
-	%۳/۳۳ ۳	%۳/۲۴ ۹	حذف گروه اسمی فاعلی
%۶۸/۷۵ ۱۱	%۷۵/۵۵ ۶۸	%۷۵/۸۱ ۲۱۰	حذف متمم‌ساز that
%۳۱/۲۵ ۵	%۱۵/۵۵ ۱۴	%۱۹/۱۳ ۵۳	حذف ضمیر موصولی wh-/that
-	-	-	حذف to be در جمله‌واه‌های متممی
-	%۱/۱۱ ۱	-	حذف گزاره
-	-	-	حذف فعل کمکی should از گزاره‌های دارای that
-	-	-	حذف حرف اضافه قبل از متمم‌سازهای that، for، و to
-	-	-	حذف متمم‌ساز to
-	-	-	حذف after/while در after/while و -ing (while)
-	%۴/۴۴ ۴	%۱/۸۰ ۵	حذف in order

نتایج به دست آمده از پژوهش در نمودار زیر نیز ارائه شده است.



شکل ۱ تصریح ساختاری غیرنظام‌مند در گونه‌های ادبی

نتیجه

همانطور که در بخش قبل نشان دادیم، از نظر ساختاری، تصریح در ترجمه همه گونه‌های ادبی به کار رفته است؛ هرچند، در همه زیرمجموعه‌ها نمود ندارد. از منظر ساختار متون بررسی شده، تصریح متمم‌ساز THAT پربسامدترین نوع در هر سه گونه نمایشنامه، شعر، و داستان است. نتیجه به دست آمده در این مورد با یافته‌های اولاهان (۲۰۰۱) که همین مدل را در دو پیکره زبانی TEC و BNC به کار بسته است کاملاً همخوانی دارد. این نتیجه همچنین نتایج به دست آمده از پژوهش اولاهان و بیکر (۲۰۰۰) را نیز تأیید می‌کند. در پژوهش این دو محقق نشان داده شد که تصریح متمم‌ساز THAT پس از فعل‌های say و tell به مراتب پربسامدتر از محذوف نگاه داشتن آن است.

به علاوه، تصریح ضمیر موصولی نیز از فراوانی بالایی در هر سه گونه داستان، نمایشنامه، و شعر برخوردار است. اما از آنجا که این مورد در پژوهش اولاهان بررسی نگردیده است، نمی‌توان نتایج بررسی حاضر را با آن در مقام مقایسه قرار داد. این مشکل در مورد حذف گروه فاعلی نیز در مقایسه دو پژوهش وجود دارد. با این حال، نتایج ما بیانگر آن است که تصریح گروه اسمی فاعلی از ویژگی‌های ترجمه شعر نیست و در دو گونه دیگر نیز چندان استفاده نمی‌شود. همچنین بررسی افزودن in order به جمله نشان می‌دهد که این ساختار با وجود آن که در ترجمه شعر نمودی ندارد، در ترجمه نمایشنامه و داستان رایج است؛ هرچند از فراوانی بالایی برخوردار نیست. در پژوهش اولاهان وجود این ساختار در پیکره TEC به مراتب بیشتر از BNC گزارش شده است.

تصریح‌های to be در جمله‌واه‌های متممی؛ فعل کمکی should در گزاره‌های دارای that؛ حرف اضافه قبل از متمم‌سازهای for, that, to؛ متمم‌ساز to؛ و after/while در after/while و -ing) در بررسی حاضر مشاهده نشد. با این وجود، افزودن to be به جمله‌واره‌های متممی با یافته‌های اولاهان همخوان است، چرا که وی نیز در پیکره‌های زبانی بسیار گسترده‌ی خود درصد بسیار پایینی از چنین افزایشی را ثبت کرده است. از آنجا که تصریح گزاره‌ها نیز در مطالعه‌ی اولاهان بحث نشده است، در این باره هم یافته‌های دو پژوهش قابل قیاس نیستند. درباره‌ی تصریح متمم‌ساز to، اولاهان، دو فعل help و know را واکاوی کرده و ۱۱۶ مورد از چنین تصریحی را گزارش کرده است. در داده‌های پژوهش حاضر تنها یک نمونه از فعل help به کار رفته بود و کاربردی از فعل know مشاهده نشد. در مورد تصریح سایر ساختارها - افزودن فعل کمکی should به گزاره‌های دارای that؛ حرف اضافه به قبل از متمم‌سازهای for, that,

و to؛ و after/while به after/while و -ing) (while) - باید اذعان کرد که یافته‌های این پژوهش تفاوت چشمگیری با یافته‌های پژوهش اولاهان دارد، چرا که این ساختارها در پیکره‌های زبانی TEC و BNC اولاهان از جمله گرایش‌های همه متون ترجمه شده بوده‌اند، اما در این پژوهش در داده‌های هیچ کدام از گونه‌ها یافت نشدند.

چرایی گرایش به تصریح تنها برخی - و نه همه - ساختارهای مطرح شده در مدل دیکسون (۲۰۰۵) را شاید بتوان ناشی از ماهیت ویژه متون ادبی دانست که در آن زبان به فشرده‌ترین و موجزترین شکل ممکن به کار می‌رود. درباره نمایشنامه، آلتونن (۲۰۰۰)، به نقل از لوی، معتقد است زبان در نمایشنامه، دارای نقشی کنشی در رابطه با گویندگان، شنوندگان، و هنجارهای زبان گفتار است. زبان نمایشنامه سبک خاصی از زبان گفتار را شامل می‌شود که در حیطه زبان تئاتر محدود می‌شود؛ دیکسون نیز در شرح مدل خود تصریح عبارت‌های حذفی مورد نظر را از جمله ویژگی‌ای زبان گفتار بر نمی‌شمرد و معتقد است چنین عبارت‌هایی در گفتار بیشتر محذوف می‌مانند تا آشکار. در شعر نیز، اندازه مصراع‌ها، ویژگی‌های موسیقایی، ساختار... علاوه بر فرصت‌هایی که با حذف یا تصریح این عبارت‌ها در دسترس مترجم قرار می‌دهند، محدودیت‌هایی را نیز بر او تحمیل می‌کنند. در ترجمه نثر در قیاس با شعر نیز نیومارک (۱۹۸۸) معتقد است، با وجود آن که مترجم از برخی قید و بندها چون وزن، قافیه، و مصراع رهاست، سایر ویژگی‌های آوایی از اهمیت ویژه برخوردارند و در صورت تصریح عبارت‌های محذوف ممکن است ارزش و کارایی خود را از دست بدهند.

در پایان، با توجه به آنچه درباره همگانی‌ها و یا هنجارهای ترجمه - که تصریح در هر دو رویکرد از جمله بارزترین آن‌هاست - مطرح شد، تصریح ساختاری در داده‌های این پژوهش (دربردارنده هر سه گونه ادبی) از ویژگی‌های ترجمه متون ادبی از فارسی به انگلیسی است. بنابراین، می‌توان گفت تصریح از جمله هنجارهای ترجمه‌ای در ترجمه متون ادبی معاصر فارسی به زبان انگلیسی است. طرفه این که، به رغم این که متخصصان و نظریه‌پردازان مترجمان را در ترجمه متون ادبی از هر گونه تغییر، افزایش، و کاهش در حین رمزگردانی متن پایانی برحذر می‌دارند و این متون را تغییرگریزترین متون می‌پندارند (برای مثال، برما، ۱۹۸۵)، این متون در برابر تصریح که نمونه‌ای از این افزایش‌ها و تغییرهاست مقاومت چندانی نشان نمی‌دهند. با در نظر گرفتن «هنجارهای مؤثر» توری (۱۹۹۵)، باید گفت تصریح حضور خود را در روستاخت زبانی متون ترجمه‌شده ادبی از فارسی به انگلیسی نشان داد و از این رو، خود نوعی هنجار محسوب می‌گردد. با این حال، با توجه به معاصر بودن داده‌های این پژوهش

و به دلیل نو بودن نسبی برخی خرده-گونه‌های ادبی در زبان فارسی، یافته‌های به دست آمده قابل تعمیم به دوره‌های دیگر نیست. از دیگر سو، حجم داده‌ها و نیز سویگی آن - تنها از زبان فارسی به انگلیسی - در این پژوهش مانع از تعمیم نتایج آن به همه متون و همه ترجمه‌ها می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت که تصریح ساختاری غیرنظام‌مند از جمله «گرایش‌ها» یا ویژگی‌های ترجمه گونه‌های ادبی از فارسی به انگلیسی است. در میان ساختارهای بررسی شده، تصریح متمم‌ساز THAT پربسامدترین این گرایش به شمار می‌آید. تصریح ضمائر موصولی نیز از جمله شاخصه‌های ترجمه متون ادبی است چرا که از فراوانی بالایی برخوردار است. با این وجود، برخی از ساختارها در متون بررسی شده نمود عینی نداشتند.

آشنا ساختن مترجمان با فرایندها و راهکارهایی که ممکن است چه در مقام ترجمه‌آموز و چه در مقام مترجم با آن مواجه شوند سبب افزایش خودآگاهی آنان نسبت به راهبردهای مترجمان در حین ترجمه می‌شود که به نوبه خود می‌تواند به ترویج رویکردهای روانشناسانه زبان به ترجمه کمک شایانی کند. به ویژه، پژوهش‌هایی در این زمینه مفیدترند که در آنها فرایندهای ذهنی مترجم در حین ترجمه از طریق بیان آنچه او در ذهن خود انجام می‌دهد ثبت و ضبط و سپس تحلیل می‌شود (TAPs). همچنین، پی بردن به گرایش‌های معمول در ترجمه بین زبان‌های گوناگون گام نخستین در رسیدن به تعمیم‌ها و در نهایت همگانی‌های ترجمه است. پژوهش حاضر گامی بود هرچند کوچک در این راستا.

Bibliography

- Aaltonen, S. (2000). *Time-sharing on Stage: Drama Translation in Theatre and Society*. Great Britain: Cromwell Press Ltd.
- Berman, A. (1985). Translation and the Trials of the Foreign. In L. Venuti (Ed.), *The Translation Studies Reader* (L. Venuti, Trans., pp. 284-95). USA and Canada: Routledge.
- Biber, D., Johanson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (2000). *Longman Grammar of Spoken and Written English*. Great Britain: Longman.
- Blum-Kulka, S. (1986). Shifts of Cohesion and Coherence in Translation. In L. Venuti (Ed.), *The Translation Studies Reader* (pp. 298-313). USA and Canada: Routledge.
- Carter, R., & McCarthy, M. (2007). *Cambridge Grammar of English: A Comprehensive Guide: Spoken and Written English, Grammar and Usage*. Great Britain: Cambridge University Press.

- Coffin, C., Donohue, J., & North, S. (2009). *Exploring English Grammar: From Formal to Functional*. USA and Canada: Routledge.
- Dixon, R. M. W. (2005). *A Semantic Approach to English Grammar* (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Frawley, W. (1984). Prolegomenon to a Theory of Translation. In L. Venuti (Ed.), *The Translation Studies Reader* (pp. 250-63). USA and Canada: Routledge.
- Laviosa-Braithwaite, S. (1998). Universals of Translation. In M. Baker (Ed.), *The Routledge Encyclopedia of Translation Studies* (pp. 288-91). USA and Canada: Routledge.
- Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. Oxford and New York: Prentice-Hall.
- Olahan, M. (2001). Spelling out the Optionals in Translation: A Corpus Study. *UCREL Technical Papers*, 13, 423-432.
- Olahan, M., & Baker, M. (2000). Reporting that in Translated English: Evidence for Subconscious Processes of Explication? *Across Languages and Cultures*, 1 (2), 141-58.
- Øverås, L. (1998). *In Search of the Third Code: An Investigation of Norms in Literary Translation*. Retrieved Dec 24, 2008, from Érudit: <http://id.erudit.org/iderudit/003775ar>.
- Quirk, R., Greenbaum, S., Leech, G., & Svartvik, J. (1987). *A Comprehensive Grammar of the English Language*. London and New York: Longman.
- Swan, M. (2005). *Practical English Usage* (3rd ed.). UK: Oxford University Press.
- Toury, G. (1995). *Descriptive Translation Studies and Beyond*. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins.